

موضوع 3

گناه اول و نتیجه آن

پیدایش باب سه

۱ مار از همه حیواناتی که خداوند به وجود آورد، زیرکتر بود. روزی مار نزد زن آمده، به او گفت: «آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باغ منع کرده است؟» ۲ و ۳ زن در جواب گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، بجز میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم و گرنه می میریم.» ۴ مار گفت: «مطمئن باش نخواهید مُرد! ۵ بلکه خدا خوب می داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می شود و مانند خدا می شوید و می توانید خوب را از بد تشخیص دهید.» ۶ آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: «میوه این درخت دلپذیر، می تواند، خوش طعم باشد و به من دانایی بخشد.» پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم داد و او نیز خورد. ۷ آنگاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند؛ پس با برگهای درخت انجیر پوششی برای خود درست کردند.

۸ عصر همان روز، آدم و زنش، صدای خداوند را که در باغ راه می رفت شنیدند و خود را لابلای درختان پنهان کردند. ۹ خداوند آدم را ندا داد: «ای آدم، چرا خود را پنهان می کنی؟» ۱۰ آدم جواب داد: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم؛ پس خود را پنهان کردم.» ۱۱ خداوند فرمود: «چه کسی به تو گفت که برهنه ای؟ آیا از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری؟» ۱۲ آدم جواب داد: «این زن که یار من ساختی، از آن میوه به من داد و من هم خوردم.» ۱۳ آنگاه خداوند از زن پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ۱۴ پس خداوند به مار فرمود: «به سبب انجام این کار، از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعونتر خواهی بود. تا زنده ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد. ۱۵ بین تو و زن، و نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت می گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» ۱۶ آنگاه خداوند به زن فرمود: «درد زایمان تو را زیاد می کنم و تو با درد فرزندان خواهی زاید. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» ۱۷ سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذیرفتی و از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد. ۱۸ از زمین خار و خاشاک برایت خواهد رویید و گیاهان صحرا را خواهی خورد. ۱۹ تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت.»

۲۰ آدم، زن خود را حوا (یعنی «زندگی») نامید، چون او می بایست مادر همه زندگان شود. ۲۱ خداوند لباس

هایی از پوست حیوان تهیه کرد و آدم و همسرش را پوشانید. ۲۲ سپس خداوند فرمود: «حال که آدم مانند ما شده است و خوب و بد را می‌شناسد، نباید گذاشت از میوه “درخت حیات” نیز بخورد و تا ابد زنده بماند.» ۲۳ پس خداوند او را از باغ عدن بیرون راند تا برود و در زمینی که از خاک آن سرشته شده بود، کار کند. ۲۴ بدین ترتیب او آدم را بیرون کرد و در سمت شرقی باغ عدن فرشتگانی قرار داد تا با شمشیر آتشی که به هر طرف می‌چرخید، راه «درخت حیات» را محافظت کنند.

سوالات:

- در مورد خدا چه چیزی یاد می‌گیریم؟
- در مورد انسان چه چیزی یاد می‌گیریم؟
- بعد از این که گناه اتفاق افتاد چه چیزهایی تغییر کرد؟
- خدا بعد از اولین گناه انسان چه وعده ای داد؟
- این چیزی که یاد گرفتیم را با چه کسی به اشتراک می‌گذاریم؟